

خبر کوتاه

چگونه از بحرن و عراق انتقام می گیریم؟

آرتین زهرایی

دبر یا زود، با کرونا یا بی کرونا رقابت‌های انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ آغاز می‌شود و بازی‌های تیم ملی تبدیل به تیرِ یک تمام فعالیت‌های ورزشی خواهد شد. دور نیست آن روز که برای انجام دو بازی انتقالی به دیدار تیم‌های عراق و بحرین خواهیم رفت و همه ما سرخستانه منتظریم تا این اتفاق رخ بدهد یا این همه تیم ملی برای حصول موفقیت، طبیعتاً مشتکش از تیمی باید باشد که بازیکنانش برای چنین نبردهای سختی آماده شده‌اند. به نظر شما چه بازیکنانی می‌توانند برای تیم ملی ما مفید و موثر واقع شوند؟

۱- در سال‌های گذشته تأکید سرمربی سابق تیم ملی روی بازیکنانی بود که در لیگ های خارجی نوپ می‌زنند. او در این باره فکر همه‌چیز را کرده بود؛ چرا که مقایسه‌ای ساده میان لیگ ایران با امکانات لیگ‌های سایر کشورها نشان می‌دهد در بحث حرفه‌ای‌گری تفاوت‌ها چندر زیاد است. تیم نگاهی به موفقیت مهاجمانی مانند سردار آزمون و مهدی طارمی در لیگ‌های روسیه و پرتغال نشان می‌دهد هر مربی دیگری هم جای اسکوچچ باشد نمی‌تواند از این بازیکنان چشم‌پوشی کند. او هزار بازی دیگر را در لیگ ما ببیند باز هم نمی‌تواند مهدی طارمی یا سردار را اساساً نبیند یا از کنارشان بی‌تفاوت عبور کند. ۲- ملی‌پوشانی که از دل لیگ‌های خارجی بیرون می‌آیند و وارد تیم ملی می‌شوند، تأثیرگذاری‌شان در لحظه‌های سخت و طاق‌فروسا مشهود است. تجربه‌ای که سردار آزمون و مهدی طارمی در این لیگ‌ها به دست آورد‌اند در یک کلام برای سرمربی تیم ملی که میراثی قابل توجه را در اختیار دارد، آنقدر جذاب است که او نمی‌تواند به گزینه‌های دیگر حتی فکر کند. راهنمایی جذب کی‌روش به شاگردانش و ترغیب آنها به حضور در لیگ‌های خارجی، حاصل یک عمر فعالیت او در فوتبال و شناختن لیگ‌ها و شاخصه‌های آنهاست.

۳- آزمون و طارمی البته می‌توانند نمونه‌های بحث ما باشند، حتی بازیکنانی مانند جهانپخش که فرصت چندانی در فوتبال انگلیس به دست نیاورند حداقلش این است که تمرینات دشوار تیم‌های لیگ برتری را تجربه کرده‌اند و تیم ملی با چنین بازیکنانی می‌خواهد به تیم‌های بحرین و عراق حمله کند.

چهار بازی آخر پرسپولیس؛ کوچه با معرفت‌ها

پرسپولیس جمعه شب موفق شد با شکست دادن نفت مسجد سلیمان قهرمانی خودش در لیگ برتر را قطعی کنند؛ان هم در فاصله ۴ هفته مانده به پایان لیگ.سرخپوشان جشن‌شان را در همان رختکن گرفتند و عملاً چهار هفته باقی مانده برای آنها حکم بازی های تشریفاتی را دارد.شاید خیلی ها بگویند که همه چیز تمام است و بهتر است یحیی گل محمدی در ۴ بازی بعدی امیدهای پرسپولیس را راهی میدان کند اما نباید این نکته را فراموش کرد که بازی های باقیمانده پرسپولیس روی نتایج سایر تیم ها و روی سقوط یا بقای آنها اهمیت ویژه ای دارد. پرسپولیس در ۴ بازی باقیمانده خودش باید به مصاف نساجی، پارس آهن‌گل گهر و سایپا برود. در بین این تیم ها نساجی با ۲۹امتیاز اوضاع بهتری دارد.روی کاغذ شاید آنها کاندیدای سقوط باشند اما احتمال اینکه در ۴بازی آتی بازنده باشند و تیم های پایین جدولی همه بازی های خودشان را ببرند خیلی کم است. اما سه تیم دیگر که روی سقوط قرار دارند بدون شک بازی شان با پرسپولیس می تواند برای شان اهمیت داشته باشد.در جدول رده بندی ذوب آهن ۲۵ امتیازی است،گل گهر هم همین ۲۵ امتیاز را دارد و سایپا با یک امتیاز کمتر در رده پایین تر از این دو تیم قرار دارند.همه دلیل های هست که شکست آنها مقابل پرسپولیس می تواند معادلات شان برای بقا در لیگ برتر را بهم بریزد. این در حالی است که پرسپولیس هم بدون شک دنبال متغاف خودش است آن هم به دو دلیل.اول اینکه پرسپولیس اگر بتواند از امتیاز ۶۵ عبور کند می تواند به رکوردی فوق العاده دست پیدا کند.این در حالی است که آنها می توانند با پیروزی در هر ۴ بازی باقیمانده به امتیاز ۷۴ برسند و خودشان را در تاریخ لیگ برتر جاودانه کنند.ضمن اینکه لیگ فرهنگمان و جام حذفی هم در پیش است و آنها برای اینکه از لحاظ بدنی کم نیاورند مجبورند در این مسابقات باقی مانده به بهترین شکل ممکن ظاهر شوند.البته که بی انگیزگی احتمالی پرسپولیس ها نگرانی بزرگی را برای تیم های پایین جدول به وجود آورده است که بی منطق هم نیست.انتظاری که تیم های پایین جدولی دارند این است که شاگردان گل محمدی معرفت به خرج داده و در این ۴ بازی هم مثل همه بازی های دیگر به میدان بایند و معرفت را در حق سایر تیم ها تمام کنند.در صورت باید دید که ایند و در ۴ بازی باقیمانده چه اتفاقی خواهد افتاد.

لیگ فوتسال کرونا زده!

با توجه به شیوع بیماری کرونا لیگ برتر فوتسال با شیوه ای عجیب برگزار خواهد شد که خوشایند کادر فنی تیم ملی فوتسال نیست. با توجه به شیوع بیماری کرونا مسابقات ورزشی در سراسر جهان تحت تأثیر قرار گرفته و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. مسابقات ورزشی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و بدون حضور تماشاگر برگزار می‌شود اما در فوتسال برنامه ریزی به نحوی صورت گرفته که تیم‌ها با کمترین بازی لیگ آینده را پشت سر بگذارند. بر اساس برنامه ریزی سازمان لیگ فوتسال، تیم‌های لیگ برتری به فصل آینده به دو گروه تقسیم شده و بازی‌های خود را به صورت متمرکز در یک شهر و در مدت زمانی کوتاه برگزار می‌کنند. با این شیوه تیم‌ها به جای برگزاری بازی‌ها به صورت هفتگی مدت زمان کوتاهی را درگیر برگزاری مسابقات هستند که هم در هزینه‌ها کاهش صورت گرفته و هم با توجه به همه گیری کرونا کمتر در جریان مسابقه خواهند بود. این شیوه باعث می‌شود در سالی که بازی‌های جام جهانی فوتسال هم در پیش است بازیکنان با کمترین زمان بازی ووربو شوند. لیگ فوتسال ما تحت تأثیر کرونا احتمالاً با چالش‌هایی ووربو خواهد بود و باید دید در نهایت این فصل از رقابت‌ها به چه ترتیب برگزار خواهد شد.

اول یک کلمه بود و بعد یک فلسفه پشتش نشست. اگر به نیروی واژگان اعتقاد ندارید، این گزارش را رها کنید و دنبالاش را نخوانید. در غیر این صورت، خوب است بدانید پرسپولیس‌ها از یک سال پیش در چنین روزهایی کلمه «پوکر» را به عنوان یک هدف ممتاز و بی‌نظیر پیش روی‌شان ترسیم کردند و در یکی از عجیب‌ترین فصول تاریخ فوتبال باشگاهی در ایران، آن قدر جنگیدند تا سرانجام به آن دست یافتند.

در ادبیات فوتبالی جهان، پوکر به معنای کسب چهار قهرمانی پیاپی است؛ اتفاقی که پیش از این در ادوار مختلف لیگ‌های سراسری ایران رخ نداده بود. در رقابت‌های کشوری، قبلاً فقط سیاهان اصفهان سه دوره پیاپی قهرمان لیگ برتر شده بود که این اتفاق در پایان فصل گذشته برای پرسپولیس هم رخ داد اما کسب چهارگان تا به حال سابقه نداشت. البته سرخپوشان پایتخت در یک مقطع بین سال‌های ۶۵ تا ۶۹ پنج قهرمانی پیاپی را هم تجربه کرده بودند اما این اتفاق مربوط به لیگ تهران می‌شد و آن رقابت‌ها جنبه سراسری نداشت. بنابراین نسل طلایی پرسپولیس برای ثبت در تاریخ نیاز به کسب قهرمانی در لیگ نوزدهم داشت تا اولین پوکر فوتبال ایران را رقم بزند؛ اتفاقی که سرانجام در یک سال بسیار عجیب و پر از حوادث پیش‌بینی‌نشده رخ داد.

لیگ نوزدهم از همان ابتدا با تأخیر یک ماهه در شروع مسابقات مواجه شد و در ادامه چندین بار به خاطر آلودگی هوا و برخی مسائل اجتماعی طعم تعویق و تعطیلی را چشید. داستان کرونا هم می‌رفت تا تیر خلاص بر شقیقه رقابت‌های این فصل باشد؛ جایی که برگزار ی بازی‌ها چهار ماه متوقف شد و هر آن احتمال می‌رفت لیگ نیمه‌تمام باقی بماند اما نهایتاً رقابت‌ها از سر گرفته شد و پرسپولیس با فتح جام در هفته بیست‌وششم، سریع‌ترین تثبیت قهرمانی لیگ برتر از نظر جدولی با این فصل انجام داد. حالا کلدیوآو پوکر ماموریتش را انجام داده و پرسپولیس‌ها به دنبال هدف بعدی هستند؛ یک ماموریت محال دیگر که به معنای کسب پنج قهرمانی پیاپی است و رنگی‌ها آن را «گلانت» می‌خوانند. آیا آنها فصل آینده در چنین روزهایی پنجگانه را جشن خواهند گرفت؟ اصلاً سوال اینجاست که قهرمانی‌های پرسپولیس چه راز و رمزی دارد و تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟

از چند سال قبل موج جدید مربی‌های جوان استقلالی شکل گرفته و گزینه‌ها و آلترناتیوهای نیمکت آبی را به شکل چشمگیری افزایش داده است؛ دیگر تعداد کسانی که می‌توانند است سرمربی بعدی استقلال باشند به یک، دو و حتی سه و چهار گزینه محدود نمی‌شود. در سال‌های گذشته نیمکت استقلال یک سیکل بسته و تکراری بین نفراتی چون امیر قلعه نویی، صمد مرفاوی و پرویز مظلومی بود. از لیگ اول تا پانزدهم بیش از همه این نفرات بودند که روی نیمکت آبی دیده می‌شدند. از بین بزرگان استقلال در دهه ۶۰ و ۷۰ نفراتی چون شاهرخ و شاهین بایانی، رضا احدی، صافق ورمزیار، مهدی فونی زاده، عباس سرخاب، عبدالملی چنگیز، مجید نامجومطلق، رضا حسن زاده، جواد زرنیچه هرگز روی نیمکت سرمربیگری استقلال و هیچ تیم لیگ برتری قرار نگرفتند که هر کدام دلیل وعلت خاص خودش را داشت.

از آن نسل طلایی همان طور که اشاره شد فقط قلعه نویی و مرفاوی در عرصه مربیگری لیگ برتر فعال بودند و بقیه حداکثر دستیار اول بودند یا در لیگ یک و دو و فوتبال پایه شدند. غیر از یکی دونفر از جمله زرنیچه که همین تازگی‌ها گلایه‌های همیشگی اش درباره ندیده شدن در چرخه مربیگری را تکرار کرد و نامجومطلق بقیه انگار اصلاً دنبال سرمربیگری در لیگ برترهم نبودند. اما ماجرا نسل بعدی استقلالی‌ها متفاوت است.

اغلب آنها یا به عرصه مربیگری گذاشتند و فقط چند نفر انگشت شمار مثل وحید طالب لو و امیرحسین صادقی هستند که تاکنون تمایلی برای مربیگری از خودشان نشان نداده اند. از چند سال قبل موج جدید مربی‌های جوان استقلالی شکل گرفته و گزینه‌ها و آلترناتیوهای نیمکت آبی را به شکل چشمگیری افزایش داده



مبارزه، مبارزه، مبارزه

ببایید از آخر شروع کنیم. همین بازی پرسپولیس در خانه نفت مسجدسلیمان را ببینید. هوا به شکل وحشتناکی گرم است، مسابقه در ورزشگاه خالی و بدون هیجان حضور تماشاگران در بزمگزار می‌شود، پرسپولیس چند غایب کلیدی دارد، از سوی دیگر هنوز زمان زیادی هم برای قطعی کردن قهرمانی باقی مانده و سرخپوشان به هیچ وجه نیاز ضروری به کسب پیروزی در این مسابقه ندارند. با این همه اما عطش برای کسب سه امتیاز در ساق پای بازیکنان پرسپولیس مشهود است. سرخپوشان برای تک‌تک توپ‌ها می‌جنگند؛ اتفاقی که در نیمه دو بازی قبلی با فولاد هم رخ داد، مثل بازی قبل‌ترش با ماشین‌سازی و حتی پیش از آن در نمایش ۱۰ نفره مقابل شاهین بوشهر.

در فوتبال (شاید مثل زندگی) بدون جنگیدن چیزی به شما نمی‌دهند. این یک اصل اساسی است که انگار در تار و پود بازیکنان پرسپولیس تنیده شده. آنها گرسنه کسب موفقیت هستند و این اشتها را حتی بعد از سه قهرمانی پیاپی هم از دست ندادند. همین جمعه‌شب بعد از تثبیت قهرمانی چهارم، تعداد زیادی از بازیکنان پرسپولیس از شروع حرکت به سمت جام پنجم سخن گفتند؛ اتفاقی عجیب و نادر که شاهراه کامیابی‌های این تیم را نشان می‌دهد. این که پیش از این در تاریخ فوتبال باشگاهی ایران پوکر قهرمانی نداشتیم و فقط دو هت‌تریک رخ داده بود، می‌تواند تاییدکننده سقف کوتاه آرزوها

۱۰ گزینه احتمالی سرمربیگری استقلال

است. دیگر تعداد کسانی که می‌توانند و ممکن است سرمربی بعدی استقلال باشند با یک، دو و حتی سه و چهار گزینه محدود نمی‌شود. امروز به شکل بدست کسب کم ۱۰ گزینه احتمالی برای نیمکت آبی در سال‌های آینده وجود دارد.

داریوش یزدانی، محمد تقوی، مهدی پاشازاده، محمود فکری، سهراب بختیاری زاده، علیرضا منصوریان، فرهاد مجیدی، جواد نکونام، پیروز قربانی و رضا عنایتی که باید نفراتی چون خسرو حیدری، مجتبی جباری، آندرانیک تیموریان که دوره‌های مربیگری را پشت سر می‌گذارند و همچنین مهدی رحمتی که سال‌های آخر فوتبالش را پشت سر می‌گذارد برای وارد شدن به این عرصه ابراز تمایل کرده‌اند را هم اضافه کرد. این موج نو مربیان جوان استقلالی که چندسالی است به راه افتاده و همان طور که اشاره شد تا چندسال دیگر هم ادامه خواهد داشت هم می‌تواند خوب و امیدوار کننده باشد و هم یک نکته منفی بوده و جای نگرانی دارد.

از این جمع ده نفره امروز مجیدی(استقلال)، نکونام(فولاد)، فکری(نساجی)، پاشازاده(شاهین بوشهر)، بختیاری زاده(پدیده شهر خودرو) در لیگ برتر سرمربیگری می‌کنند. منصوریان که ۲ فصل سرمربی استقلال بود و علاوه برآن در نفت تهران و پاس همدان و ذوب آهن لیگ برتری هم سرمربیگری کرده و محمد تقوی که سابقه سرمربیگری تراکتور تبریز را در کارنامه دارد. قربانی هم به تازگی سرمربیگری تیم لیگ برتری گل گهر را رد کرد. عنایتی هم در تیم دسته اولی هوادار و یزدانی هم در فوتبال آمریکا مربیگری می‌کنند. تمام این نفرات کاریزما و شخصیت سرمربیگری در استقلال را هم دارا هستند و تمام آنها در سال‌های گذشته سابقه گزینه

در گیری هم تیمی‌ها؛ نسخه ایرانی

گل به‌خودی یاغی‌ها



تا مثل همیشه حواشی تیم را کنترل کند.

در گیری کرار جاسم و مجتبی جباری

در سال ۹۰ و در فصلی که با سلام و صلوات جاسم کرار را به استقلال آوردند، در بازی حذفی استقلال و سایپا مهر کرج ناگهان یک دعوا در زمین به راه افتاد. آبی‌ها صاحب یک ضربه ایستگاهی شدند و کرار قصد داشت که خودش ضربه را مستقیم به سمت دروازه حریف بزند اما مجتبی جباری این اجازه را نداد و با جمله «از همین‌جا به شما گل زدم.» مواجه شد، با این حرف مجتبی برآشفتم و ثانیه‌هایی بعد کرار با دست به پرویز مظلومی علامت داد جباری را تعویض کند و مظلومی در واکنش به این دخالت آشکار، جاسم را از زمین بیرون کشید.

مصاحبه های پس از آن بازی، هیجانی بود. جباری بین خبرنگاران حاضر شد و حرف‌های تند علیه کرار و مظلومی سرمربی وقت تیم زد: سرمربی تیم ما در تمرین روی نیمکت

حکایت اولین پوکر قهرمانی در لیگ ایران

دلار بالاست و درآمدهای ریالی سطح ثابت دارد. جذب بازیکن خارجی که از سوی وزارت ورزش برای سرخابی‌ها ممنوع شده، اما حتی حفظ بازیکنانی مثل بشار رسن و پویژدار رادوشوویچ هم با نرخ فعلی ارز کار دشواری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر دلار بالای ۲۰ هزار تومان، یک مشوق مضاعف برای ستاره‌های موجود تیم است که به پیشنهادهای خارجی‌شان فکر کنند. مجموعه این مسائل نشان می‌دهد باشگاه برای نگه داشتن تیم در سطح کنونی ماموریت بسیار سختی دارد. باید دید مدیران فعلی و اعضای جدید هیات‌مدیره که به زودی معرفی می‌شوند، می‌توانند شرایط مطلوب را برای ادامه این روند مهیا کنند یا شنل بالاخره از دوش قهرمان خواهد افتاد؟

وعده‌های محال؟

یحیی گل محمدی که مثل همه مربیان دنیا حاضر نبود پیش از قطعی شدن قهرمانی حرفی از تغییرات در تیمش بزند، حالا از لزوم تقویت فوری تیم سخن گفته است. سرمربی پرسپولیس دیروز در همین راستا جلسه مشترکی با مهدی رسول‌پناه، سرپرست باشگاه برگزار کرده است. رسول‌پناه البته البته فعلاً سعی می‌کند به هواداران برای حفظ تیم در مسیر فعلی دلگرمی بدهد. او گفته بدهی‌های بین‌المللی به زودی تسویه خواهد شد و ۹۹ درصد بازیکنان هم در تیم باقی می‌مانند. خود آقای سرپرست اما بهتر از هر کس دیگری می‌داند که عمل کردن به این وعده‌ها کار دشواری است. یک ماه پیش ایچنتی که مهدی طارمی را به ریوآوه برد، از جانشینی قریب‌الوقوع علی علipور با این بازیکن در تیم پرتغالی خبر داده بود. علipور که ابتدای این فصل هم مایل به جدایی بود بعد از پایان لیگ نوزدهم بازیکن آزاد به شمار می‌آید و خودش می‌تواند برای آینده‌اش تصمیم بگیرد. همین‌طور بشار رسن هم درست پیش از بازی با نفت مسجدسلیمان به صراحت گفت باشگاه با توجه به افزایش قیمت ارز خواهان کاهش رقم قرارداد او شده و با این شرایط ناچار است پرسپولیس را ترک کند. البته که جدایی‌طلبان سرخپوش تنها همین دو بازیکن نیستند اما این فقط مثال‌هایی ساده بود برای این که روشن کنیم کار سرپرست باشگاه چقدر سخت است. کسی که هنوز از سایه پسوند «موقت» خارج نشده و تازه احتمال واگذاری سرخابی‌ها به بخش خصوصی هم وضعیتی را بیش از پیش مجهول و متزلزل می‌کند.

اخبار

هیچ‌وقت، وقت خدا-حافظی نیست

این روزها به دو دلیل بار دیگر نام علی کریمی بر سر زبان‌ها افتاده است. دلیل اول، خبر غیر رسمی مسافرت او به کشور کانادا است که در کنار انتشار یک پست مشکوک در صفحه شخصی کریمی، شایعه مهاجرت همیشگی آقای مالک باشگاه مشهدی بعد از جدایی غیر منتظره شماره هشت را به دنبال آورده است. علت دوم مطرح شدن نام کریمی هم این است که او پیشنهاد سرمربیگری شهرخودرو را رد کرده، اماک حاضر به ششیدن کار مهاجرت نمی‌رسید این یک انتخاب وسوسه‌کننده برای برای جادوگر باشد، اما حاضر به نشستن روی نیمکت شهرخودرو نشد. بنابراین حالا همه‌جا حرف از کریمی است؛ ستاره درخشان فوتبال ایران در دهه‌های هفتاد و هشتاد که اگر از مربیگری کنار برود، خیلی اتفاق مهمی رخ نداده، اما اگر از ایران برود، این یک خلأ و خسران بزرگ خواهد بود. بی‌تعارف کریمی شاید مربی مهم و موفقی نباشد یا نشود اما او یک آدم کم‌نظیر، یک هموطن دوست‌داشتنی و دغدغه‌مند است؛ از آنها که خوشروشان غنیمت و غیبت‌شان مایه حسرت است. خوشبختانه اخیراً مهاجرت مدعی کریمی تکذیب شد و یک رسانه حتی مدعی شده او همین حالا هم در ایران است. در این شرایط شاید مرور چهار پرده از زندگی کریمی خالی از لطف نباشد؛ دو پرده که ثابت می‌کند او چرا برای مربی بزرگ شدن کار دشواری دارد و دو پرده دیگر که به رازهای محبوبیت و مقبولیت او مربوط می‌شود.

مردی که زود جوش می‌آورد

علی کریمی مربیگری را با دستکاری کنار کارلوس کی‌روش، اندکی پیش از جام ملت‌های آسیا در سال ۲۰۱۵ آغاز کرد. او آن زمان به تازگی کش‌هایش را آویخته بود و رابطه خیلی خوبی با سرمربی وقت تیم داشت. به نظری می‌رسید به شکلی معجزه‌آسا راه رایی تغییر حرفه جادوگر و مهاhtarآموزی او باز شده، اما کریمی طبق معمول غیر قابل پیش‌بینی بود. کمتر از ۱۰۰ روز بعد از آغاز همکاری با کی‌روش و درست روزی که تیم ملی عازم استرالیا بود، کریمی ناگهان با انتشار یک پیام کوتاه در صفحه شخصی‌اش غیب شد: «اگر نمی‌توانی خدمت کنی، برو تا خیانت نکرده باشی.» این که در آن ۱۰۰ روز بین کریمی و کی‌روش چه گذشت روشن نیست، اما بعد از این قطع همکاری غیر منتظره، جادوگر به سرسخت‌ترین منتقد مربی پرتغالی تبدیل شد. این نمره منفی اول و نخستین نشانه ناامیدکننده بود؛ برای تبدیل شدن به یک مربی موفق، قطعاً آستانه تحمل آدم‌ها باید خیلی بیشتر از این باشد.

مربیگری و دل‌رحمی؛ هر تزی!

برگردیم به مهرماه ۹۷؛ به روزی که در بازی رفت پرسپولیس و سپیدرود رشت، علی کریمی و تیم جوانش به ورزشگاه آزادی آمده‌اند تا رودرویی مدعی شماره یک قهرمانی رقاره بگیرند. مقاومت سپیدرود کاملاً غیر منتظره است؛ آنها بازی را تا دقیقه ۹۰ و درست چند ثانیه مانده به سوت پایان مسابقه با نتیجه بدون گل اداره می‌کنند. در این شرایط کورش ملکی، دروازه‌بان جوان سپیدرود خودش را روی زمین می‌اندازد تا بلکه آخرین ثانیه‌ها را هم تلف کند و تیمش یک امتیاز ارزشمند به رشت ببرد. علی کریمی اما از لب خط بر سر او فریاد می‌کند: «بلند شو، لازم نکرده وقت بکشی!» بعد هم توپ اخذ همتی گل سپیدرود می‌آید و نشسته استایلی آدم همتی به تور دروازه می‌چسبد. بعد؛ هم مربیگری مخصوصاً در فوتبال ایران دل بی‌رحم می‌خواهد. انگار علی کریمی برای موفق شدن در این حرفه، بیش از حد «تمیز» است، بیش از حد جنتلمن است.

چهره ملی؛ بالاتر از رنگ‌ها

بهمن ۹۶ علی کریمی در منظره با محمدرضا ساکت در برنامه نود، دبیرکل فدراسیون را گوشه رینگ برد و انتقاداتش از مدیران فوتبال ایران را بی‌پروا مطرح کرد. صبح روز بعد از منظره، ساکت خسته و بی‌خواب راهی فرودگاه امام خمینی شد تا از کاروان تیم ملی فووتسال استقبال کند. اتفاق جالب اما زمانی رخ داد که دوربین تلویزیون برای مصاحبه به سمت ساکت رفت؛ در این لحظات گروهی از مسافران عادی که در حال استفاده از پله‌برقی فرودگاه بودند یکصدام نام علی کریمی را فریاد زدند و مصاحبه آقای دبیرکل در خراب کردند! کریمی در تمام طول این سال‌ها، مقبولیتش را از همین مردم گرفته است. قطعاً او هم اشتباهاتی داشته، اما رفتارش هرگز به منفعت‌طلبی آلوده نشده است. بی‌دلیل نیست که درست همان روزها، در پایان بازی استقلال و سپیدرود در ورزشگاه آزادی، هواداران استقلال به شدت علی کریمی را تشویق کردند. او مدت‌هاست که بالاتر از رنگ‌ها تبدیل به یک چهره ملی شده است.

بچه‌های مدرسه منتظرند

نمی‌شود از علی کریمی حرف زد و سوگیری‌های اجتماعی یا کنش‌های خیرخواهانه او را از یاد برد. کریمی در تمام طول سال‌های شهرتش، کم یا زیاد دغدغه «مردم» را داشته و اگر کاری از دستش برمی‌آمده، برای آنها انجام داده است. در همین اسفند و فروردین گذشته که کرونا به شکل هولناکی در گیلان تاخت‌وتاز می‌کرد، کریمی دو محموله پزشکی برای بیمارستان‌های این استان فرستاد؛ آنچه شاید انرژی و دلگرمی پشتش، به مراتب مفیدتر از بار مسئولانه بود. آخرین خبری هم که پیش از این داستان‌ها از جادوگر داشتیم، مربوط به تقبیل هزینه‌های ساخت یک مدرسه متوسطه در روستایی از توابع سیستان و بلوچستان از سوی او می‌شد. کسی نمی‌داند ساخت مدرسه الان در چه مرحله‌ای است اما همه امیدواریم کریمی برگردد و روز افتتاحیه کنار دانش‌آموزان این مدرسه باشد؛ پسرانی که حتماً از تماشای آقای شماره هشت لذت خواهند برد. او که یکی از چراغ‌های روشن این سرزمین است.»

نداشته که اینگونه دیگران را مقصر می‌داند. عمران زاده، مدافع استقلال پس از این اتفاق گفت: «در جریان بازی با هم بگومگو کردیم ولی درگیری نداشته‌یم نمی‌دانم چرا برخی از رسانه‌ها به این درگیری‌ها دامن می‌زنند و عنوان کرده‌اند که ما با هم درگیر شده‌ایم. در صورتی که یک بگو مگو بود و پس از پایان بازی با هم آشتی کردیم.» این صادقی و فروزان افتاد. صادقی روی یک توپ جا ماندن و فروزان سر او فریاد کشید و امیرحسین هم چند بار با صدای بلند فریاد زد:«حرف نباشه بچه، گفتم حرف نباشه…»

درگیری بدای و رضایی

اما شاید به یادماندنی ترین بازیان جهانی داشت، درگیری بین ناجی بدای و رحمان رضایی در جریان بازی جام ملت های آسیا ۲۰۰۴ بود. رحمان رضایی پس از یک جدال بر سر توپ گیری با مهاجم حریف، فریاد زنان به سوی ناجی بدای که در وقتی بدای جواب اعتراض رحمان را داد، رضایی هم او را هل داد و در ادامه هر دو بازیکن نیز به یکدیگر سیلی زدند تا این درگیری در یک تورنومنت بین المللی اتفاق بیفتد. بعد دقیقه پس از این اتفاق بدای تعویض شد و چند ساعت بعد کمیته برگزاری رقابتها، هر دو بازیکن را محروم کرد.